

بازخوانی تفسیر راز افشا شده در آیه سوم سوره تحریم با تأکید بر سیاق
و روایات تفسیری اهل بیت - محمدرضا شاه سنایی، عباس اسماعیلی زاده
علمی - پژوهشی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۵۰-۱۶۸

بازخوانی تفسیر راز افشا شده در آیه سوم سوره تحریم با تأکید بر سیاق و روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام

محمدرضا شاه سنایی*

عباس اسماعیلی زاده**

چکیده: این مقاله در باره راز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و افشای آن توسط یکی از همسران ایشان در آیه سوم سوره تحریم است که معرکه آراء مفسران شده است. افشای این راز در همین سوره، سبب شده است که خداوند به نحو بی‌نظیری از رسولش دفاع کند. روایات شأن نزول مورد استناد مفسران اهل سنت و مفسران شیعه متأثر از منابع اهل سنت، نه تنها از پیچیدگی این راز نکاسته، بلکه موجب انتساب نسبت‌های ناروایی به مقام رسالت گردیده است. نگارنده با معیار قرار دادن سیاق حاکم بر آیات آغازین سوره تحریم و بررسی روایات وارده در شأن نزول، به شأن نزولی دست یافته که تا قرن پنجم مورد توجه عالمان شیعه بوده و پس از آن مورد غفلت واقع شده است. در این شأن نزول، منظور از راز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیه‌السلام از جانب خداوند، و اقدامات دیگران در کنار زدن ایشان از خلافت معرفی شده است. در این روایات، علاوه بر حفظ شأن و عصمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ارتباط بین راز مذکور با عبارت «صالح المومنین» و همچنین علت واکنش شدید پروردگار در مقابل افشای آن بیان شده است.

*. استادیار مدرسی معارف اسلامی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

esmaelizadeh@um.ac.ir

**. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

کلیدواژه‌ها: راز؛ پیامبر ﷺ؛ همسران پیامبر؛ صالح المومنین؛ امیرالمؤمنین علی؛ آیه سوم سوره تحریم.

مقدمه و طرح مسأله

تفسیر آیه سوم تحریم همواره معرکه آراء مفسران بوده است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)﴾ إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَعَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنَّ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿(۴)﴾

در این آیه سخن از رازی است که رسول خدا ﷺ با یکی از همسرانش در میان می‌گذارد. همسرش با وجود آگاهی از لزوم حفظ آن راز، به افشای آن (برای یکی دیگر از همسران) می‌پردازد. اهمیت موضوع و تبعات افشای راز تا بدان جا است که پروردگار، رسولش را از آن آگاه نموده و آن دو زن را تهدید می‌کند که اگر توبه ننمایند، و به اقدامات ضد آن حضرت ادامه دهند، با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و دیگر ملائکه طرف هستند.

اثرگذاری برخی روایات ساختگی در ارتباط با شأن نزول این آیات، موجب شده که تعداد زیادی از مفسران، از ظاهر و سیاق این بخش از آیات غفلت کنند و در نتیجه، آیه از شکل یک آیه محکم به یک آیه متشابه تبدیل شود و نسبت‌های نادرستی به ایشان بدهند که با شأن و عصمت حضرت رسول خدا ﷺ ناسازگار است.

شخصیتی معصومی را که در قرآن کریم با اوصافی همچون ﴿وما ينطق عن الهوى﴾ (نجم: ۴)، ﴿خلق عظیم﴾ (قلم: ۴) و ﴿اسوه حسنه﴾ (احزاب: ۲۱) توصیف شده، به راحتی تحت تأثیر توطئه‌ها می‌دانند که فریب می‌خورد. او برای رضایت برخی از همسران، از

حقّ برخی همسران دیگر چشم می‌پوشد؛ شخصیتی که برای ارضای عجلانّه مسائل جنسی مجبور به باج دهی به برخی همسرانش می‌گردد! (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱)

اما دقت در سیاق آیات آغازین سوره تحریم، موجب می‌شود که بسیاری از روایات موجود، مخالف ظاهر و سیاق و همچنین مخالف عصمت رسول خدا ﷺ تشخیص داده و طرد شوند.

حضرت رسول خدا ﷺ یکی از ملاک‌های مهم تشخیص صحت یا عدم صحت احادیث را موافقت یا مخالفت با قرآن می‌دانند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۹؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۹)

این پژوهش به منظور رفع ابهام از آیه فوق، با تکیه بر سیاق آیات سوره تحریم و ارزیابی روایات وارده در شأن نزول آیه ۳ و ۴، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

الف. راز افشا شده چه بود؟

ب. چرا عمل آن دو همسر رسول خدا ﷺ در افشای راز به مثابه جنگ با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان دانسته شد؟

ج. منظور از ﴿صالح المومنین﴾ کیست؟ و چه ارتباطی بین افشای راز و این شخص وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در خصوص آیه مذکور در کتب تفسیری فریقین به این آیات پرداخته شده؛ ولی تمرکز بر سه شأن نزول با منشأ روایی اهل سنت (حتی در منابع شیعی) موجب غفلت از توجه به سیاق آیات و حتی غفلت از شأن نزول‌های موجود در کتب متقدم شیعه گشته است. این موجب شده که نه تنها به پرسش‌های مذکور پاسخی

داده نشود، بلکه این راز در حد یک حسادت زنانه و.... تلقی شود و موجب اهانت به مقام رسالت گردد.

در پژوهش‌های انجام شده درباره این موضوع نیز به پرسش‌های مذکور پاسخ مناسبی داده نشده است.

در مقاله «نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود درباره افشای راز پیامبر ﷺ در آیات ابتدایی سوره تحریم» بر اساس روایات مشهور (در منابع شیعه و اهل سنت) که همگی با منشأ منابع اهل سنت هستند، نتیجه گرفته که در منابع شیعه، شأن نزول مستقلی از منابع اهل سنت وجود ندارد. این مقاله یکی از همان روایات را (علی رغم مخالفت با سیاق آیات و شأن رسول خدا ﷺ) به عنوان شأن نزول آیه پذیرفته است. (حسینی فاطمی، سیدعلی: ۱۳۸۵) در مقاله «سرّ نهفته در آیه سوم سوره تحریم با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی» (کیانوش نریمان روند) همان روند مقاله قبلی طی شده است. در مقاله «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم» (خامه‌گر، محمد: ۱۳۹۲) ضمن بررسی روایات مذکور، به درستی به عدم تطابق این روایات با شأن رسول خدا ﷺ پی برده و چنین نتیجه گرفته که هیچ یک از روایات تفسیری نمی‌تواند سبب نزول سوره تحریم باشد. مقاله «جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم» (عبدلهادی فقهی زاده و محمد برزگر، حدیث پژوهی، شماره ۱۷) نیز مانند مقاله قبلی، ضمن بررسی روایات مذکور، به نادرستی روایات مذکور در عدم تطابق با سیاق آیات و شأن رسول خدا ﷺ پی برده است. البته دو مقاله اخیر نسبت به دو مقاله اولی، از استحکام زیادی برخوردار بوده و توانسته نادرستی روایات مذکور را اثبات و بیان نمایند؛ ولی غفلت از شأن نزول‌های موجود در منابع متقدم شیعه (تا قرن پنجم) موجب شده که در این دو مقاله نیز نتواند با استناد به

منابع معتبر، پاسخ مناسبی برای مراد از «سراً افشا شده در این آیات» و سایر پرسش‌های مذکور ارائه دهد.

نقطه قوت این مقاله در دست یافتن به روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام است که در آن منظور از «راز افشا شده در آیه» را بیان می‌دارد. تفسیر مذکور، علاوه بر همگونی با سیاق آیات، با شخصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز تناسب دارد و به شخصیت آن حضرت جسارتی نشده است. این روایات تفسیری در منابع معتبر دانشمندان بزرگ شیعه همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و شیبانی موجود است. در این پژوهش، ابتدا روایاتی مورد ارزیابی قرار گرفته که به عنوان شأن نزول آیه در تفاسیر اهل سنت و تفاسیر شیعه متأثر از آن مطرح است، سپس روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام - به عنوان دیدگاه چهارم و برگزیده - ارائه و ارتباط آن با سیاق آیات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی روایات وارده در منابع فریقین.

در منابع اهل سنت در روایات متعدد، سه جریان متفاوت در باره علت راز گویی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به یکی از همسرانش و افشای آن ذکر شده است. برخی از این گزارش‌ها عیناً و برخی با اندکی تغییر در برخی از منابع شیعه منعکس شده است. در این مبحث، ابتدا این سه جریان بررسی می‌شود که سبب نزول آیات اولیه سوره تحریم است و پس از آن روایات مختص به منابع شیعی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. حسادت زنانه و فریب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

حسادت زنانه برخی از همسران (عائشه و حفصه) نسبت به حضور طولانی‌تر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منزل زینب بنت جحش یا ام سلمه به علت میل نمودن غسل، موجب شده تا حفصه و عائشه با طرح ریزی نقشه‌ای آن حضرت را از غسل مذکور

متنفر و مانع از حضور بیشتر آن حضرت در منزل ام سلمه یا زینب گردند. هنگامی که پیامبر ﷺ نزد زینب بنت جحش می‌رفت، او آن حضرت را نگاه می‌داشت و از عسلی خدمت آن حضرت می‌آورد که تهیه کرده بود. این توقف رسول خدا ﷺ برای نوشیدن شربت عسل در منزل زینب بر عایشه و حفصه گران آمد و آن دو با هم قرار گذاشتند با اجرای نقشه‌ای آن حضرت را نسبت به شربت عسل مذکور بدبین کنند و از توقف ایشان در منزل زینب مانع شوند؛ لذا قرار گذاشتند که هر وقت پیامبر ﷺ بعد از منزل زینب، نزد یکی از آنها آمد، فوراً بگویند آیا "مغفیر" [که بوی نامناسبی دارد] خورده‌ای؟! به این ترتیب روزی پیامبر ﷺ نزد حفصه آمد. او این سخن را به پیامبر ﷺ گفت. حضرت فرمود: من "مغفیر" نخورده‌ام، بلکه عسلی نزد زینب بنت جحش نوشیدم، و من سوگند یاد می‌کنم که دیگر از آن عسل ننوشم. (قرطبی، ۱۳۶۴ ق، ج ۱۸، ص ۱۷۷)

در منابع اهل سنت درباره صاحب عسل اختلاف نظر وجود دارد و از ام سلمه، حفصه و یا یک کنیز نیز نام برده شده است. در برخی از منابع ذکر شده که آن حضرت پس از فریب خوردن توسط عائشه، قسم یاد کرد که دیگر نزد آن همسرش نرود و از عائشه خواست که کسی را از این قضیه مطلع نکند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱)

۲-۱. باج دهی به برخی همسران:

الف. حرام نمودن ماریه بر خودش.

در برخی از منابع اهل سنت، مخاطب راز، حفصه است و زمینه صدور راز مذکور نیز "کسب رضایت حفصه" عنوان شده است:

«رسول اکرم ﷺ روزها را بین زنان خود قسمت کرده بود. اتفاقاً یک روز نوبت حفصه بود. گفت: یا رسول الله! اجازه فرما تا خدمت پدرم روم. پس از

آنکه رخصت گرفت و رفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ماریه قبطیه را طلبید. وقتی حفصه بازگشت، درب اطاق را بسته دید. همانجا نشست تا رسول الله از حجره بیرون آمد و عرق از پیشانی و روی مبارکش می چکید. حفصه پس از آنکه از قضیه مطلع گردید، به گریه افتاد و گفت: یا رسول الله! کنیز را به خانه من آوردی و با او خلوت فرمودی و حرمت مرا نداشتی و با هیچ یک از زنان دیگر خود چنین ننمودی. حضرت فرمود: ای حفصه! این کنیز من است و خدای تعالی وی را بر من مباح گردانیده است. من برای رضای تو او را بر خود حرام نمودم، لکن این سخن سَرّی است و پیش تو امانت باشد و باید به کسی اظهار ننمایی. حفصه پذیرفت؛ لکن چون بین او و عایشه دوستی بود، در پس دیواری که میان خانه او و خانه عایشه بود، مشّت به دیوار زد و گفت: ای خواهر! مژده باد بر تو که رسول الله صلی الله علیه و آله ماریه را بر خود حرام گردانید و ما از تشویش او راحت شدیم». (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱)

در برخی از منابع اهل سنت نیز به این گونه نقل شده است که حفصه دید در روز نوبت عائشه، آن حضرت با کنیزش در اتاق او نزدیکی نموده است؛ لذا به آن حضرت اعتراض کرده و آن حضرت نیز برای جلب رضایت او قسم می خورد که او را راضی کند و در عوض کتمان این قضیه از عائشه، رازی را با او در میان می نهد و از می خواهد که با کسی از آن راز سخن نگوید. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۱۰۱) ب. حرام نمودن ماریه و خبر از حکومت ابوبکر و عمر

در برخی دیگر از گزارش های موجود در منابع اهل سنت، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای کسب رضایت حفصه و حق السکوت او، علاوه بر حرمت ماریه بر خودش، خبر از حکومت ابوبکر و عمر می دهد و از او می خواهد این دو مطلب را برای کسی بیان نکند. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱)

در برخی از منابع شیعه نیز باج دهی حضرت به حفصه، مانند منابع اهل سنت بیان شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۲) در برخی دیگر با اندکی تفاوت آمده است. در تفسیر قمی ذیل آیه سوم سوره تحریم آمده است:

«رسول اکرم ﷺ روزها را بین زنان خود قسمت کرده بود. اتفاقاً یک روز نوبت حفصه بود. گفت: یا رسول الله! اجازه فرما تا خدمت پدرم روم. پس از آنکه رخصت گرفت و رفت، پیمبر اکرم ﷺ ماریه قبطیه را طلبید و در خانه حفصه با او خلوت نمود. حفصه پس از اینکه از قضیه مطلع گردید، گفت: یا رسول الله! در روز من و در اتاق من و بر تخت من با او خلوت نمودی؟ آن حضرت از حفصه خجالت کشید و فرمود: من برای رضای تو، او را بر خود حرام نمودم و سرّی را با تو گویم که اگر افشا کنی، لعنت خداوند و ملائکه بر تو خواهد بود. راز این است که ابوبکر و پدر تو (عمر) پس از من به حکومت می‌رسند. حفصه گفت: چه کسی تو را از این امر آگاه ساخته است؟ حضرت پاسخ فرمودند: خداوند. حفصه عائشه را از این راز آگاه کرد، عائشه به پدرش خبر داد، ابوبکر نیز عمر را مطلع نمود و گفت: عائشه چنین خبری به من داده، ولی من از آن مطمئن نیستم. عمر به نزد دخترش حفصه آمد و در باره آن پرسید. حفصه در ابتدا انکار کرد. عمر به او گفت: اگر چنین چیزی حقیقت دارد، بگو تا در آن پیشقدم شویم. حفصه نیز خبر را تایید کرد... (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷۶)

۳-۱. آگاه نمودن عائشه از وضعیت خلافت پس از آن حضرت

در برخی از منابع اهل سنت بدون ذکر هیچ گونه علت و زمینه‌ای، عنوان شده که رسول خدا ﷺ عائشه را از زمامداری پدرش ابوبکر آگاه کرد و از او خواست که آن را برای کسی نگوید، ولی عائشه به حفصه خبر داد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۱) در برخی از منابع شیعی نیز گزارش مذکور به شکل زیر منعکس شده است:

«سعید جبیر گفت: از عبد الله بن عباس در باره راز سوال کردم. او پاسخ داد: سرّ آن بود که رسول - ﷺ - یک روز عایشه را گفت: من با تو سرّی دارم، خواهم گفت، نگر تا با کس نگوئی و این امانتی است مرا بنزدیک تو. گفت: آن چیست؟ گفت: پدر تو و پدر حفصه، از پس من امامت خواهند کرد، و پس از ایشان عثمان. در حال که رسول - ﷺ - از خانه بیرون رفت. او دیوار حفصه بکوفت و او را خبر داد و او دیگری را خبر داد.» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۲۹۲)

در گزارش مذکور به زمینه صدور چنین رازی اشاره نشده است.

۲. ارزیابی روایت های مذکور

۱-۲. حسادت زنانه و فریب رسول خدا ﷺ

این گزارش از چند جهت با عصمت رسول خدا ﷺ سازگار نیست.

الف. چگونه ایشان متوجه نمی شوند که آن عسلی که میل نموده اند، بوی نامطبوعی ندارد و به حسن بویایی خود اعتمادی ندارد و تسلیم توطئه آن دو زن می گردد؟

ب. چگونه شخصیتی که به ﴿خلق عظیم﴾ (قلم/۴) متّصف شده (بر فرض بوی نامطبوع عسل) آن همسر را از حقوق همسریش منع می کند؟!

ج. آیا این قضیه شخصی (ارتباط با همسران) و اقدام به افشای چنین رازی، آن قدر اهمیت دارد که به مثابه مقابله با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان دانسته شده است؟!

د. ارتباط بین عبارت ﴿صالح المومنین﴾ با راز افشا شده چیست؟

۲-۲. باج دهی به حفصه

این گزارش نیز از چند جهت با اشکال مواجه است.

الف. توهین و جسارت به آن حضرت است؛ زیرا در روایات مذکور شخصیت

ضعیف النفسی از آن حضرت به تصویر کشیده شده که (نستجیر بالله) در مسائل شهوانی کفّ نفس ندارد و آن قدر عجلولانه عمل می‌کند که نمی‌تواند منتظر بماند تا حفصه برگردد و با او خلوت کند، بلکه بدون اجازه وارد خانه او شده و با همسر دیگری خلوت می‌کند.

ب. از آن حضرت شخصیتی ترسیم شده که پس از انجام کاری نادرست، مجبور به پرداخت حقّ السکوت می‌گردد.

ج. سلب حقوق همسری، جهت رضایت و حقّ السکوت همسر دیگر، رفتار ظالمانه ای تلقی می‌شود که با شأن آن حضرت سازگار نیست.

د. آیا این قضیه شخصی (ارتباط با همسران) و اقدام به افشای چنین رازی آن قدر اهمیت دارد که به مثابه مقابله با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان اعلام شده است؟!

ه. ارتباط بین عبارت ﴿صالح المومنین﴾ با راز افشا شده مشخص نشده است.

۳-۲. خبر از خلافت ابوبکر و عمر

از جمله مواردی که در منابع به عنوان «راز افشا شده» بسیار پررنگ است (چه به عنوان حقّ السکوت به حفصه و چه به عنوان یک راز بین آن حضرت و عائشه)، خلافت ابوبکر و عمر می‌باشد.

بازتاب این قضیه در منابع اهل سنت تا بدان جاست که برخی از مفسران اهل سنت، از آن به عنوان مبنای قرآنی حقانیت خلافت ابوبکر و عمر سخن گفته‌اند (انّ الحدیث الذی أُسرّه هو أنّ أبابکر و عمر یلیان الأمر من بعده، فهو أصل فی خلافتهم). (سیوطی، ۲۰۰۷، ص ۲۶۹؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۶۵)

آلوسی با استناد به روایات مذکور در مجمع البیان و تفسیر عیاشی مدعی می‌شود که اگر شیعه صحت این اخبار را مسلم بداند، لازمه آن این است که قائل به صحت

خلافت ابوبکر و عمر باشد، به خاطر ظهور در مطلبی که مخفی نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵، همان)

البته نقل روایات تفسیری مورد پذیرش اهل سنت در منابع شیعه، به معنای پذیرش آن نیست، ولی سؤال اساسی این است که اگر واقعاً مراد از راز مذکور در آیه، خلافت ابوبکر و عمر و بشارت بدان باشد، چرا باید تا این حد با واکنش پروردگار مواجه شود و به مثابهٔ مقابله با پروردگار و... محسوب گردد؟ (با توجه به اینکه در روایات موجود، ذکر شده که تنها این دو تن توسط دخترانشان عائشه و حفصه از آن مطلع شدند، نه دیگران، تا منافع ایشان به خطر نیفتد).

۳. مسألهٔ جانشینی بلافصل امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

بررسی منابع روایی و تفسیری شیعی تا قرن پنجم، حکایت از این دارد که تا این عصر، روایاتی از اهل بیت (علیهم السلام) مورد توجه بوده که از قرن ششم به بعد مورد غفلت واقع شده است. در این روایات، منظور از راز، دستور الهی بر جانشینی علی (علیه السلام) و کنار گذاردن ایشان از این مقام الهی از طریق غلبه بر او است. شییبانی از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) چنین روایت می کند:

«رازی است که با عائشه در میان گذاشت. آن راز این بود که پروردگار به ایشان دستور داده که پسر عمویش علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین بلافصل معرفی کند و او را برادر و وصیش قرار دهد؛ ولی پدر تو و یارش [عمر] با غلبه بر او حکومت را در دست خواهند گرفت. عائشه [دختر ابوبکر]، حفصه [دختر عمر] را از این راز باخبر نموده و حفصه نیز پدرش را از این راز آگاه ساخت. اینان همگی با هم پیمان بستند که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درگذشت، نگذارند علی به قدرت رسد. (شییبانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۰۹)

شیخ مفید با استناد به کلام امام باقر (علیه السلام) منظور از راز را به شرح ذیل بیان می کند: «منظور از رازی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با عائشه در میان گذاشت، این بود که خداوند

به او وحی نموده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) را جانشین خود قرار دهد. ولی قلب آن حضرت به تنگ آمد، از علم به کینه و حسد و دشمنی قریش با علی و نگرانی از فتنه ای که به زودی دامن دین را می گیرد. آن حضرت از عائشه تعهد گرفت که در باره این راز با کسی سخن نگوید، ولی او پیمان شکست و حفصه را از آن آگاه ساخت و به حفصه دستور داد تا پدرش [عمر] و ابوبکر را از آن آگاه نماید. همین افشای راز منجر به دسیسه‌ها علیه علی (علیه السلام) گردید، تا بدانجا که این گروه با هم پیمان بستند که پس از رحلت پیامبر، نگذارند کسی از اهل بیت از او ارث برد یا به مقامی رسد. پس پروردگار رسولش را از این توطئه آگاهی داد. به دنبال آن، حضرتش عائشه را در این زمینه بازخواست کرد و قسمتی از اقدامات آنها را بیان فرمود. البته از بیان اینکه از تمام اقداماتشان با خبر است، چشم پوشید. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۹)

شیخ طوسی نیز منظور از راز را سخن از اقدامات قریش بر ضد علی (علیه السلام) و کنار زدن ایشان از خلافت دانسته که به عنوان راز به عائشه گفت و او هم به پدرش بشارت داد. (طوسی، ج ۱۰، ص ۴۸-۴۷)

۳-۱. بررسی شأن نزول چهارم (جانشینی امیرالمؤمنین):

قبل از بررسی این شأن نزول، باید سیاق آیات سوره تحریم به ویژه ارتباط آیات ۳ و ۴ بررسی شود. در آیه سوم سخن از موضوع بسیار مهمی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عنوان یک راز با یکی از همسران مطرح نموده است: ﴿وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا﴾. آن همسر به افشای آن نزد یکی دیگر از همسران می پردازد: ﴿فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ﴾. اهمیت افشای این راز و پیامدهای آن به گونه‌ای است که پروردگار، رسولش را از آن مطلع نمود: ﴿وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾، و از آن دو زن می‌خواهد توبه کنند و دست از اقدامات خود بردارند: ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾. در غیر

این صورت با خداوند، جبرئیل، ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان طرف هستند: ﴿وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ (گویی اقداماتی انجام داده‌اند که در حکم جنگ با خداوند، جبرئیل، صالح المؤمنین و سایر فرشتگان است).

افشای این راز، چنان اهمیتی دارد که پروردگار برای تنبّه و اقدام به توبه این دو همسر رسول خدا ﷺ، سرگذشت همسران حضرت نوح و لوط علیهما السلام را یادآور می‌شود؛ دو همسر پیامبری که به علت ایمان نیاوردن به همسرانشان و توبه نکردن، گرفتار عذاب دوزخ گردیدند:

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰٰخِلِينَ﴾ (سوره تحریم، آیه ۱۰). نکته قابل توجه و مغفول در برخی از تفاسیر فریقین، ارتباط راز مذکور با جمله ﴿صالح المومنین﴾ است. منظور از عبارت مذکور چه کسی است و چه ارتباطی با آن راز دارد که پس از خداوند و جبرئیل، در مقابل آن دو زن قرار گرفته است؟ مگر با افشای آن راز، حقی از او پایمال شده که در مقابل آن دو زن صف آرایی نموده است؟!

پی بردن به ارتباط مذکور می‌تواند در تطابق روایات شأن نزول با این آیات بسیار راهگشا باشد. به همین منظور ابتدا مصداق این عبارت قرآنی در منابع فریقین بررسی می‌شود و سپس ارتباط آن با راز افشا شده بیان می‌گردد.

۳-۱-۱. بررسی مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾ در منابع فریقین

دانستنی است که عبارت ﴿صالح المومنین﴾ و عبارت «الصالح من المومنین» با هم تفاوت دارد. عبارت اولی با توجه به «ال» افاده جنس می‌کند، ولی دومی تنها اراده فرد نموده و نمی‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۵۵۶)

در منابع اهل سنت، دو دیدگاه عمده در بیان مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾ وجود دارد: الف. ابوبکر و عمر ب. علی علیه السلام (زجاج، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۰۳)

دانشوران شیعه، بر اینکه مصداق عبارت قرآنی مذکور، حضرت علی علیه السلام است، اتفاق نظر دارند. (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۰۳). لذا وجه مشترک فریقین در بیان مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾، علی بن ابی طالب علیه السلام است. این دیدگاه در منابع معتبر اهل سنت از طریق چند نفر از صحابی و تابعین بیان شده است:

ابن عباس: (ابن مردویه، ۱۴۲۴، ص ۳۳۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۳۶۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۴۶)

حذیفه: (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۳۶۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۴۹)

مجاهد: (ابن مغازلی، ۱۴۲۷، ص ۳۳۵)

زید بن ارقم: (قاضی نعمان، ۱۴۲۳، ص ۲۹۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۳۶۲)

اسماء بنت عمیس: (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴، ص ۳۳۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۹)

جعفر بن محمد علیه السلام: (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۴۸)

ابن سیرین: (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۵۱)

در برخی از منابع اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد که حضرت علی علیه السلام منظور از عبارت قرآنی مذکور را خودشان معرفی نموده‌اند. بنگرید: (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۳۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۴۹)

این مطلب در منابع شیعه از طریق مختلف (صحابه، تابعین، امام باقر و امام صادق علیه السلام) بیان شده است. سید مرتضی از فحول علمای شیعه اعلام کرده که در میان دانشمندان شیعه بر این مطلب اتفاق نظر وجود دارد. (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۴۰۳)

راویانی که در منابع شیعه این سخن را پذیرفته‌اند، به شرح ذیل هستند:

ابن عباس (فراش کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱؛ حیری، ۱۴۰۸، ص ۳۲۵)

زید بن ارقم (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۲)

اسماء بنت عمیس (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱؛ حبری، ۱۴۰۸، ص ۳۲۵؛ ابن عقده، ۱۴۲۴، ص ۲۱۷)

عمار بن یاسر (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۳۳۲)

ابو رافع (محمد بن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۹۲)

مجاهد (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱)

قنبر، خدمتکار امیر مؤمنان علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳)

رشید هجری (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱)

امام محمد باقر علیه السلام (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱)

امام صادق علیه السلام در بیان مراد از «صالح المومنین» فرمودند:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله دو مرتبه علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود به مردم شناساند: یک بار وقتی آیه «...و صالح المومنین» نازل شد و ایشان فرمودند «صالح المومنین» علی است، او پس از من "ولی" شماست. مرتبه دوم در واقعه غدیر بود؛ آن هنگام که دست ایشان را بالا برد و فرمودند: «من کنت مولاه فعلی مولاه» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۳۳۲).

۳-۱-۲. بررسی ارتباط راز افشا شده با حضرت علی علیه السلام

مطابق شأن نزول چهارم، منظور از راز مذکور، دستور پروردگار به رسول الله صلی الله علیه و آله مبنی بر جانشینی بلا فصل حضرت علی علیه السلام و اقدامات دیگران بر ضد این دستور الهی است.

افشای جانشینی امیرالمومنین و هر گونه اقدامی در مخالفت با آن، از یک طرف مخالفت با امر الهی است که واکنش پروردگار را به دنبال داشته و با جمله «إِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِیلُ» تطابق کامل دارد. از طرفی دیگر ضربه زدن به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است که با جمله «صالح المؤمنین» تطابق دارد.

این شأن نزول، تنها شأن نزولی است که در آن، ارتباط بین «راز» در آیه سوم و عبارت ﴿صالح المؤمنین﴾ در آیه چهارم روشن است؛ چون تنها شخصی است که با افشای آن راز، حق الهی او که همان مقام جانشینی بلافصل رسول خداست، آسیب می‌بیند. حسادت، کینه‌های موجود و... موجب شد که با افشای قطعی بودن جانشینی آن حضرت، مخالفانش علیه او دست به اقدام زنند؛ تا به هر نحوی مانع از تحقق آن شوند.

بدین ترتیب تنها شأن نزولی که هم با سیاق آیات و هم با عبارت مذکور تطابق دارد و هم به شخصیت رسول خدا ﷺ جسارت نشده است، شأن نزول چهارم است.

اما این شأن نزول به دلایل نامشخص، از قرن ششم به بعد مورد غفلت واقع شده است؛ در حالی که شیخ مفید دیدگاه شیعه در مورد منظور از «راز» را مسأله جانشینی حضرت علی علیه السلام می‌داند، اما از دیدگاه اهل تسنن قضیه حفصه و ماریه را بیان می‌نماید. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳). با این وصف در مهم‌ترین تفاسیر شیعه از قرن ششم تا حال حاضر، این شأن نزول یافت نمی‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۴؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۳۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۷۵)

پیامد این ذکر نشدن نکات زیر است:

الف. مراد از «راز مذکور» در هاله‌ای از ابهام بماند.

ب. برخی از محققان با مشاهده اشکال‌های موجود در سه شأن نزول اول (عدم تطابق با سیاق، جسارت به رسول خدا و...) چنین نتیجه بگیرند که هیچ یک از روایات تفسیری نمی‌تواند سبب نزول سوره تحریم باشد. (خامه‌گر، محمد، ۷۳، ص ۱۳۹۲)

ج. چنین تصور شده که در منابع شیعه، شأن نزول مستقلی از منابع اهل سنت

وجود ندارد. (حسینی فاطمی، ۵۷، ص ۱۳۸۵)

نتیجه‌گیری

بررسی روایان شأن نزول آیه ۳ و ۴ سوره تحریم در منابع اهل سنت و منابع شیعی متأثر از آن (از قرن ششم به بعد) و تطابق آن با سیاق آیات حکایت از این دارد که روایات مذکور سه جریان را به عنوان زمینه های صدور راز و منظور از آن بیان می کنند که نه تنها با سیاق آیات، بلکه با شخصیت رسول خدا ﷺ در تضاد است. از طرفی مشاهده می شود که تنها شأن نزولی که هم با سیاق آیات و هم با شخصیت رسول خدا ﷺ تطابق داشته باشد، همان شأن نزولی است که منتسب به امام باقر و امام صادق علیهما السلام است؛ همان نکته ای که تا قبل از قرن ششم در کتب روایی و تفسیری متقدم شیعه وجود داشته و به عنوان دیدگاه شیعه مورد توجه عالمان شیعی بوده است، ولی از قرن ششم تا زمان حاضر، به یکباره اثری از آن در کتب تفسیری یافت نمی شود. در این شأن نزول منظور از راز رسول خدا ﷺ خلافت بلا فصل علی علیه السلام از جانب خداوند، و اقدامات دیگران در کنار زدن ایشان از خلافت معرفی شده است. این تفسیر با عبارت ﴿صالح المومنین﴾ که وجه مشترک تفاسیر فریقین در بیان مصداق آن حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، تطابق کامل دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ش)، قم: اسوه.
- ابن اثیر جزری، (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر.
- ابن المغازلی، (بی تا)، *مناقب الامام علی بن ابی طالب* علیهما السلام، بیروت.
- ابن عساکر، (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر.
- ابن عقده کوفی، (۱۴۲۴ق)، *فضائل امیرالمؤمنین* علیهما السلام، تحقیق: حرزالدین، عبدالرزاق، قم: انتشارات دلیل ما.

ابن مردویه، احمد بن موسى، (۱۴۲۴ش)، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی، قم: دارالحديث.

ابوالفتوح رازی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حبري، حسین بن حکم، (۱۴۰۸ق)، تفسیر الحبری، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث. حسکاني، عبيدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسيني فاطمي سيد علي، (۱۳۸۵ش)، «نقد و بررسی دیدگاههای موجود درباره افشای راز پیامبر صلی الله علیه و آله در آیات ابتدایی سوره تحریم»، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۱.

حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

خامه‌گر محمد و سلمان زاده جواد، (۱۳۹۲ش)، «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم»، پژوهش-های قرآنی، سال نوزدهم، پیاپی ۷۳.

زجاج، ابراهیم بن سری، (۱۴۱۶ق)، اعراب القرآن (زجاج)، قم: دار التفسیر.

سید مرتضی، (۱۴۳۱ق)، نفائس التأویل، تصحیح: موسوی، احمد، بیروت.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۲۰۰۷م)، الاکلیل فی استنباط التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

شیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: الهادی.

صدیق حسن‌خان، محمد صدیق، (۱۴۲۰ق)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طبرانی، تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، (۲۰۰۸م)، اردن: دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الامم و الملوك*، بیروت: دار التراث.
- طبری محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، (بی تا)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *امالی*، قم: دارالثقافه.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، *تفسیر فرات الکوفی*، (۱۴۱۰ق)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فقهی زاده، عبدالهادی و برزگر، محمد، «جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم»، (۱۳۹۶ش)، دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۱۷، ص ۸۵-۱۰۲.
- فیض کاشانی، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قاضی نعمان مغربی، (۱۴۲۳ق)، *المناقب و المثالب*، بیروت: اعلمی.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کوفی، محمد بن سلیمان، (۱۴۱۲ق)، *مناقب الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)*، قم: مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجی شافعی، (۱۴۰۴ق)، *کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، تهران: دار احیاء تراث اهل البيت (علیهم السلام).
- مفید، محمد، (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد، (۱۴۱۳ق)، *المسائل العکبریه*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نریمان، کیانوش، «سر نهفته در آیه ۳ سوره تحریم با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی»، (۱۳۹۶ش)، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، بندر عباس، دانشگاه پیام نور.